

# کتاب شناخت آثار انتقادی دانشگاهیان اهل سنت

## در تعامل با احادیث اهل بیت علیهم السلام

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۷

مهدی غلامعلی<sup>۱</sup>

### چکیده

موفقیت پژوهش‌های حدیثی شیعه در مواجهه با برخی از مفاهیم و اصطلاحات مشترک بین فریقین شیعه و سنی زمانی رخ می‌دهد که طرفین از آخرین پژوهش‌ها و نقاش‌های یکدیگر آگاه باشند؛ برای نیل به این مهم در این مقاله با چهار اثر از نویسندگان عامه که در عربستان و کویت در دهه اخیر علیه حدیث امامیه نوشته شده آشنا می‌شویم. نخستین اثر در سال جاری با عنوان «عقائد الشيعة و حقائقهم المعبية» چاپ شده است و احتمالاً به زودی به عنوان کتاب مرجع در بردارنده نقد مجموع باورهای شیعی در مراکز علمی عامه شهره خواهد شد. اثر دوم بانام «برائة ائمة آل البيت من عقيدة الاثني عشرية في الامامة و الصحابة» در دانشگاه ام‌القری نگاشته شده و می‌کوشد شیعه را مخالف دستورات اهل بیت معرفی کند و عملکرد و اندیشه اهل بیت را همسو با سلفی‌ها می‌داند. اثر سوم کتاب «اهل البيت بين المدرستين» است، نویسنده مفهوم اهل بیت را در شیعه و سنی بحث کرده و شیعیان را متهم می‌کند که این مفهوم را به درستی درک نکرده‌اند. اثر چهارم نیز کتاب «عقائد الرافضة ورد علماء الشافعية عليها» است، مؤلف سودانی وی در سعودی سعی کرده تمام باورهای کلی و جزئی شیعه را در کتاب خویش ارائه و نظر عالمان شافعی را از سده‌های نخست هجری تا سده سیزدهم در رد اعتقادات شیعه بیان کند. از انتشار کتاب اول و چهارم تنها چند ماه گذشته است.

**کلیدواژه:** کتب انتقادی عامه، عقائد الشيعة، برائة ائمة آل البيت، اهل البيت بین المدرستين، عقائد الرافضة، رد علماء الشافعية، نقد حدیث امامیه، حَمُود نایف الدَّبُوس، محمد آل عجلان، محمد بن سالم الخضر، عبد المجید علی المَحسبی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، mahdigh53@gmail.com

## مقدمه

در دهه های اخیر برخی از نویسندگان اهل سنت اقدام به نگارش کتاب هایی در راستای معرفی اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر منابع روایی خویش کرده اند. در این منابع گاه از خاندان رسول اکرم با عنوان «آل البیت» تعبیر می شود. بخشی از این آثار رساله ها و پایان نامه هایی است که دانشجویان و اساتید دانشگاه های مشهور اهل سنت همچون دانشگاه ام القری، دانشگاه های اردن و دانشگاه های کویت تألیف کرده اند. اساتید این مراکز علمی با شناسایی شباهت مختلف در نگارش های شیعیان - به ویژه منابع روایی امامیه - گاه به بیان نقاش و نقد احادیث کتب حدیثی پرداخته اند و گاهی نیز درصدد بررسی تطبیقی مفاهیم مشترك و یا عملکرد صحابه و آل البیت پرداخته اند. وجه مشترك همه این آثار اینکه عالمان امروزی عامه احادیث امامیه را ساختگی و دروغ می پندارند و معیار صحت را تنها احادیث خودشان می دانند. هرچند گروهی از ایشان این انصاف را به خرج داده اند که قرآن را عیار صحت سنجی احادیث امامیه قرار دهند، اما در نتیجه گیری و اکتفا به ظاهر آیات دچار برداشت های متفاوتی شده اند. در این مقاله با چهار اثر عامه در این خصوص آشنا می شویم. نخستین کتاب تنها چند ماه از انتشار آن گذشته است و در همین ماه های نخست انتشار با استقبال خوبی در مراکز عامه روبرو شده است. کتاب دوم و سوم به جهت نوع نگاه تخصصی از اهمیت ویژه ای برخوردارند. کتاب چهارم نیز در سال جاری قمری منتشر شده است و به دلیل گردآوری مجموعه خرد و کلان باورهای امامیه در سطح پایان نامه ارشد کار ویژه ای است.

## معرفی کتاب اول

عنوان: عقائد الشيعة و حقائقهم المعیبة

دراسة استقرائية تحليلية نقدية لعقائد الشيعة الإمامية الاثني عشرية و أهم شبهاتهم

نویسنده: دکتر حَمُود نایف الدَّبُوس

ناشر: دارُ الآثار، مصر، چهار جلد، چاپ اول، ۱۴۴۰ ق. ۲۰۱۸ م

این کتاب رساله دکتری آقای حَمُود نایف الدَّبُوس است که در دانشگاه اردن به سال ۲۰۱۴ م دفاع شده است. نویسنده با هدف اینکه در موضوع اعتقادات شیعه در میان اهل سنت اثرش به عنوان کتاب مرجع قرار بگیرد، با مطالعات پسینی توانسته حجم رساله

خود را در طول چهار سال مطالعه در ایام تحصیل و چند سال پس از آن تا سه برابر افزایش دهد و در چهار جلد منتشر کند؛ مجموع صفحات این اثر ۲۱۶۲ صفحه است. دکتر حَمُود الدَّبُّوس در حال حاضر عضو هیئت علمی دانشکده شریعت و پژوهش‌های اسلامی دانشگاه کویت است. استاد راهنمای وی در این رساله دکتر آمین القضاة. استاد حدیث نبوی و رئیس دانشکده اردن. بوده است.

مؤلف می‌نویسد تمام مسلمانان به آل‌البتیت علاقه داشته و آنان را قبول دارند و از آنان پیروی می‌کنند. حال چگونه است که وقتی شیعه می‌گوید آموزه‌های مذهبش را از آل‌البتیت گرفته است اختلافاتی چشمگیر بین شیعه و سنی پدید آید. او با این خراش ذهنی به مطالعه کتاب‌های حدیثی شیعه روی آورده تا بتواند به سؤالات پژوهشی‌اش پاسخ دهد.

این کتاب در پاسخ به سؤالات پژوهشی زیر تنظیم شده است:

یک. آیا روایاتی که شیعه به اهل بیت نسبت داده، صحیح است؟ یا احادیث نسبت داده شده خلاف واقع است؟

دو. اعتقاداتی که شیعه بر آن‌ها پایبند است، چیست؟ آیا آنان قائل به تحریف قرآن هستند؟ آیا آنان عصمت اهل بیت را باور دارند؟ آیا آنان واقعاً قائل به طعن به صحابه هستند؟ و ده‌ها سؤال این‌چنینی. این باورها چگونه رد می‌شود؟

سه. مهم‌ترین شبهات شیعه به کتب اهل سنت چیست؟ چگونه می‌توان به آن‌ها پاسخ داد؟

دکتر حَمُود نایف برای پاسخ به این سؤالات ابتدا تمام کتاب اصول الکافی را مطالعه می‌کند و از اینکه روایات نبوی این کتاب بسیار اندک است، تعجب می‌کند و همچنان برایش این سؤال حل نشده است که چرا بیشتر احادیث شیعیان و به ویژه کتاب الکافی از امام ششم است و حال آنکه کلینی به جهت دوره زندگی‌اش باید از امامان آخر بیشتر نقل کند. به گمان او الکافی حاوی احادیث غالیانه و مشکل‌دار بی‌شماری است. وی سپس دو کتاب المحاسن و بصائر الدرجات را مطالعه می‌کند و محتویات آن‌ها را بسیار مشکل‌دارتر از الکافی ارزیابی می‌کند. همچنین تفاسیر روایی. تفسیر عیاشی، تفسیر قمی، تفسیر فرات کوفی، شواهد التنزیل. را نیز مطالعه می‌کند و از برخی روایات تحریف قرآن و یا تأویلات

باطن گرایانه را برداشت می‌کند. حَمُود نایف بسیاری از احادیث کتب شیخ صدوق و شیخ طوسی را ملاحظه کرده، ولی معتقد است اگر کسی می‌خواهد در یک کتاب مجموعه اعتقادات شیعه را بدون تقیه و کامل ببیند باید کتاب بحار الانوار را مطالعه کند. چه اینکه نویسنده آن از بزرگان و محققان برجسته شیعه بوده و همچنین در زمان قدرت شیعه و حکومت صفویه نگاشته شده و تقیه در آن دیده نمی‌شود.

وی در بررسی روایات به بررسی سندی و رجالی آن‌ها نیز توجه داشته است. او در بررسی اسناد کافی به اعتبارسنجی مجلسی در مرآة العقول اعتماد کرده و تمام روایات را به تفکیک گوینده تقسیم‌بندی و وضعیت اسناد و آمار آن‌ها را در جداولی منظم آورده است.

### الف) مباحث کتاب

این کتاب، پس از یک فصل مقدماتی که به معرفی تشیع و تعامل شیعه با روایات پرداخته است در هشت فصل زیر مباحث خود را سامان داده است:

الفصل الأول. دراسة أسانید مرویات الشيعة الاثني عشرية

الفصل الثاني: عقيدة الإمامة عند الشيعة الاثني عشرية و الحقائق المغيبة

الفصل الثالث: موقف الشيعة الاثني عشرية من الصحابة و من زوجات النبي... و

الحقائق المغيبة

الفصل الرابع: عقيدة الشيعة الاثني عشرية في القرآن... و الحقائق المغيبة

الفصل الخامس: عقيدة البداء عند الشيعة الاثني عشرية... و الحقائق المغيبة

الفصل السادس: عقيدة الرجعة عند الشيعة الاثني عشرية... و الحقائق المغيبة

الفصل السابع: التقية عند الشيعة الاثني عشرية... و الحقائق المغيبة

الفصل الثامن: الشبه الحديثية التي يستدل بها الشيعة الاثنا عشرية على الإمامة من

كتب أهل السنة

### ب) سبک کتاب

هر فصل از فصول هشت‌گانه فوق دارای چند مبحث و هر مبحث دارای چند مطلب و هر مطلب دارای چند بخش جزئی است. به عنوان نمونه فصل دوم که به مسئله عقیده شیعه در خصوص امامت اختصاص دارد خود دارای مباحث متعددی است؛ مبحث سوم

عنوانش چنین است: «المبحث الثالث: المهدي المنتظر عند الشيعة الاثني عشرية» این مبحث خود دارای چهار مطلب است. مطلب اول این مبحث به گونه‌شناسی روایات وارده در شیعه، مبنی بر نص بر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌پردازد. حمود نایف روایات را موضوع‌بندی و حتی به تفکیک معصومان از پیامبر صلى الله عليه وآله تا امام حسن عسکری عليه السلام دسته‌بندی کرده است. وی در پایان به متون کتاب‌های ملل و نحل پرداخته که پس از امام عسکری عليه السلام شیعیان پانزده فرقه شدند؛ یا در دوره‌های قبل گروه‌هایی از شیعیان فرقه جدیدی درست کردند. دکتر حمود نتیجه گرفته اگر این روایات وجود خارجی در عصر ائمه داشت نباید اختلافی بین شیعیان رخ می‌داد.<sup>۱</sup>

### ج) ویژگی‌ها

در مطالعه اجمالی این کتاب چند نکته مشهود است: تتبع جامع نویسنده، به نظرمی‌رسد اگر این مطالعات به صورت فردی انجام گرفته، تحسین برانگیز است. نکته دوم استفاده از منابع متعدد و دست‌اول و امانت‌داری در نقل از ویژگی‌های کتاب است. به‌عنوان نمونه در روایاتی که بجای نام خلفا عبارت «فلان» آمده است او با ارجاع به منبعی که این اسامی را بیان کرده است حق مطلب را ادا می‌کند. در ذیل روایتی از الکافی می‌نویسد: «يقصد بقوله (نزلت في فلان و فلان و فلان) صحابة النبي أبي بكر و عمر و عثمان» و سپس در پانوشت می‌نویسد: انظر المجلسي، مرآة العقول، ج ۴ ص ۱۶۱.<sup>۲</sup>

وی نزدیک به چهارصد منبع را برای تألیف این اثر مشاهده کرده است. نکته سوم حضور جدی نویسنده در سرتاسر کتاب است. برخی از آثار انتقادی عامه بیشتر به بیان نص شبهات پرداخته و از اظهار نظر و جمع‌بندی خودداری می‌کنند، ولی دکتر الدبوس در این کتاب حضور فعالی دارد و معمولاً تحلیل و اظهار نظر می‌کند.

۱. عقائد الشيعة... والحقائق المغيبة، ج ۳، ص ۹۱۱ تا ۹۱۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۱۰۹.

## د) اشکالات

اشکالاتی کلی این اثر را می‌توان این‌گونه شماره کرد: نخست اینکه وی نیز مانند بسیاری دیگر از نویسندگان عامه که با پیش‌فرض بطلان اعتقادات شیعه دست به قلم می‌شوند، دست به نگارش زده است و این پیش‌فرض در سرتاسر کتاب آشکار است و از همان صفحات نخست کتاب از بیان آن ابایی ندارد.

دوم، تکرار مکررات در کتاب، به گونه‌ای است که خواننده را خسته می‌کند. به عنوان نمونه در دو صفحه ۳۱۸ و ۳۱۹ از جلد نخست کتاب بیش از هشت مرتبه می‌نویسد که تمام روایات شیعه دروغ است و نسبت آن‌ها به اهل بیت خلاف واقع است. او فکر می‌کند که تکرار يك ادعا به اقناع خواننده منجر می‌شود.

سوم، اگرچه به ارزیابی‌های علامه مجلسی از احادیث الکافی در جداول پرداخته است اما چون پیش‌فرض دروغ بودن تمام روایات شیعه را دارد بر این باور است که این احکام نیز بی‌ارزش است و می‌نویسد: «و قد أوردت الروایات فیها بغض النظر عن أحكام المجلسی. علیها، لأئمة كما سبق بیانه، أنّ کلها روایات مفتراة علی أئمة آل البيت و أحكام الشیعة لا قيمة لها علیها»<sup>۱</sup>.

چهارم، ضعف نویسنده در تاریخ حدیث شیعه و کتاب‌شناسی است. او از فضای نقل روایات شیعه از معصومان و چرایی شماراندک یا گسترده روایات ائمه بی‌خبر است و همین نکته را خرده‌ای بر احادیث الکافی می‌داند. همچنین از میزان اعتبار منابع روایی شیعه نیز بی‌اطلاع است.

پنجم، عبارت «أن جمیع الروایات التي ینسبها الشیعة للأئمة الاثنی عشر» با تعابیر مختلف در جای جای کتاب مشاهده می‌شود. اگر نویسنده به این سخن خویش با این‌سور کلی معتقد باشد، باید بپذیرد که بخشی از روایات عامه نیز ساختگی است، چه اینکه شمار قابل توجهی از روایات شیعه و سنی مشترك هستند.

ششم، ادبیات نویسنده در سرتاسر کتاب ادبیاتی تهاجمی و معمولاً دور از ادبیات علمی

است. عبارت «یزعم الشيعة» ترجیع بند بیشتر صفحات و تیترها است که به نوعی نشانگر آن است که این کتاب بیشتر باهدف مصرف درون مذهبی در بین عامه نگاشته شده است.

هفتم، آمارهای بیان شده در تعداد احادیث هر معصوم در اصول الکافی دقیق نیست یا به بیان دیگر نوعی آمارسازی در جهت تضعیف اندیشه شیعی است. به عنوان نمونه او شمار روایات نبوی را در کل کتاب اصول الکافی تنها بیست و پنج حدیث می‌داند<sup>۱</sup> که این آمار قطعاً اشتباه است. چه اینکه در پژوهشی که اخیراً در قم با عنوان «بررسی تحلیلی اسناد احادیث نبوی در کتب اربعه»<sup>۲</sup> انجام شده است، آمار احادیث نبوی در اصول الکافی پانصد و شصت و دو روایت است. نویسنده برای اینکه این اشکال به وی وارد نشود در پانویس می‌نویسد: احادیث نبوی در اصول الکافی از طریق اهل بیت وارد شده است را حدیث نبوی نمی‌داند، بلکه روایات ائمه حساب می‌شود. او با این ترفند بارها این خرده‌گیری را به کتاب الکافی مطرح ساخته که چرا از پیامبر خدا ﷺ روایات بسیار معدودی گزارش شده است. این عملکرد به نوعی دسیسه‌ای برای تضعیف حدیث شیعه است.

## معرفی کتاب دوم

عنوان: برائة ائمة آل البيت من عقيدة الاثنی عشریة فی الامامة و الصحابة

نویسنده: دکتر محمد بن حامد آل عجلان

انتشارات: دو انتشارات مکتبه دار البرازی و دار الامام المسلم

این کتاب در دو جلد در سال ۱۴۳۶ ق (۱۳۹۴ ش) منتشر شده است. اثر حاضر حاصل تلاش نویسنده در رساله دکتری است و در شمار آثار «رسائل الجامعة» دانشگاه ام‌القری مکّه چاپ شده است.

۱. همان، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲. پایان نامه سطح سه حوزه که توسط فاضل ارجمند جناب حجة الاسلام علی فرهمندیان با رتبه عالی در مرکز تخصصی حدیث حوزه دفاع شده است.

مقدمه کوتاه نویسندۀ به خوبی نشان می‌دهد که وی قصد ندارد جانب انصاف علمی را رعایت کند، بلکه با پیش‌دواری مغرضانه و رویکرد کاملاً سَلَفی، به پژوهش در این موضوع روی آورده است. چه اینکه در درآمد کتاب چنین می‌نویسد: «ولا شك أن الرافضة من أشد أعداء المسلمين؛ بل هم أشد على الاسلام و المسلمين من اليهود و النصری، وذلك أنهم یحیکون المؤمرات ضد المسلمين باسم الاسلام فینخدع بهم كثير من المسلمين»<sup>۱</sup>.

دکتر آل عجلان پس از درآمد کوتاه کتاب، مقدمه‌ای را در دو بخش شرح عنوان رساله و دیدگاه‌های گروه‌های مختلف، در خصوص برخی از مفاهیم شرح می‌دهد. نویسندۀ مفاهیم براءت، ائمه آل‌البيت، اثنی عشریه، امامت و صحابه را توضیح و سپس به دیدگاه‌های شیعه، ناصبیان و اهل سنت درباره مفاهیم ائمه آل‌البيت، امامت و صحابه می‌پردازد.

### الف) مباحث و سبک کتاب

کتاب با ساختار درختی و به شیوه امروزی و دانشگاهی تنظیم شده و از نظم خوبی برخوردار است.

دو بخش اصلی کتاب به ترتیب عبارت‌اند از:

الباب الأول: براءة أئمة آل البيت من عقيدة الاثنی عشریة فی الإمامة و الائمة

الباب الثانی: براءة أئمة آل البيت من عقيدة الاثنی عشریة فی الصحابة و أمهات

المؤمنین و بناته و أصحابه صلی الله علیه و آله

هرکدام از این دو بخش ابتدا شامل چند فصل شده و هر فصل نیز مباحثی را ذیل عنوان «المبحث» در خود جای داده است. المبحث‌ها نیز ریز عنوان‌هایی با پیشوند «المطلب» دارند. به عنوان نمونه اولین بخش کتاب [همان الباب الاول] در دو فصل، براءت ائمه را از مفهوم امامت و سپس براءت ائمه از مفهوم مورد ادعای شیعه بیان کرده است. در فصل اول که مربوط به مفهوم امامت است چهار مبحث آورده است. مثلاً

۱. براءة ائمة آل البيت من عقيدة الاثنی عشریة فی الإمامة و الصحابة، ج ۱، ص ۷.



مبحث اول به تعیین امام، فقط به صورت وصیت اختصاص دارد یا مبحث سوم به این نکته پرداخته که شیعه اعتقاد دارد علم به شریعت تنها در انحصار امام است؛ چنان که گذشت هر مبحثی نیز فروعاتی با عنوان المطلب دارد. در همین مبحث سوم سه مطلب بیان شده؛ مطلب سوم این مبحث «المطلب الثالث: الكتب المنسوبة لائمة آل البيت و برائة أئمة آل البيت من القول بها» است؛ نگارنده سپس ذیل این مطلب به پنج مسئله پرداخته است: مصحف حضرت زهرا، الجامعة، الجفر، الصحيفة و دیدگاه مخالف آل البيت با این کتاب‌ها.

به طور کلی ترجیح بند تمام مباحث این کتاب در تمام فصول عنوان برائة ائمة آل البيت از مجموع باورهای شیعی است. نویسندگان بسیار تلاش کرده تا از منابع امامیه مواردی را گاه با تقطیع و گاه نقل صحیح استخراج کند تا اثبات نماید باورهای شیعه امروزی برخلاف دستورات و سیره معصومان است و معصومان همان راهی را تأیید کرده‌اند که سلفیه و مکتب خلفا برگزیده‌اند.

نویسندگان در پایان، تمام مباحث کتاب را به اختصار در ۲۲ شماره جمع‌بندی کرده<sup>۱</sup> و بر سبیل رساله‌های دکتری پیشنهاد پنج پژوهش را در رساله‌های دانشگاهی داده است.<sup>۲</sup>

## ب) ویژگی‌ها

دو ویژگی مهم این کتاب عبارت است از: نخست، تتبع بسیار گسترده نویسندگان در منابع شیعی و استخراج هر آنچه با عقاید عامه ناسازگار است. نویسندگان از بحار الانوار استفاده شایانی برده و چه بسا تکیه‌گاه اصلی وی همین کتاب است، اما اکتفا به آن نکرده و از مراجعه به آثار حدیثی دیگر از متقدم تا متأخر بازمانده است؛ کمتر کتابی از منابع روایی شیعه را می‌توان یافت که وی از آن‌ها نقل نکرده است. او حتی به آثار حدیثی متأخر و شرح الحدیثی نظیر مرآة العقول، الوافی، الشافی، احقاق الحق و... نیز مراجعه کرده است.

۱. ج ۲، ص ۳۵۹ تا ۳۶۲.

۲. پژوهش‌های پیشنهادی وی عبارت‌اند از: الآثار المروية عن ائمة آل البيت في العقيدة، موقف اهل البيت من الغلو والغلاة، فتاوى ائمة أهل البيت، برائة ائمة أهل البيت من الصوفية، موقف ائمة آل البيت من الفتن.

نقل از کتب متقدم مانند الکافی، بصائر الدرجات، الارشاد، مجموع آثار صدوق و... بسیار مشهود است.

دوم: ویژگی دیگر این کتاب استفاده از عبارات جذاب و خواندنی در طلیعه هر مبحث است. به گونه‌ای که خواننده علاقه مند می‌شود سریع مباحث را دنبال کند. او خود حضور چندین پیررنگی ندارد، ولی با ارائه نمونه‌های متعدد سعی در مجاب کردن خواننده دارد. به عنوان نمونه در ابتدای یکی از ریز موضوعات که به بحث خلفا مربوط می‌شود، می‌نویسد:

قوله في الخلافة الراشدة؛ تعتقد الشيعة الاثنا عشرية فساد الخلفاء الراشدين الثلاثة .  
أبي بكر و عمرو و عثمان .. و يزعمون أنهم غصبوا من صاحبها الشرعي، قال المجلسي:  
«الخلفاء الثلاثة لم يكونوا إلا غاصبين، جائرين، مرتدين عن الدين لعنة الله عليهم و  
على من اتبعهم في ظلم اهل البيت من الاولين و الآخرين»<sup>۱</sup>.

### ج) اشکالات

گذشته از نگاه جانبدارانه نویسنده و غیرمنصفانه بودن وی، یکی دیگر از اشکالات اصلی کتاب، اصرار مؤلف است بر اینکه ادعای خود، مبنی بر اینکه معصومان با تمام عقاید فعلی شیعه در دو موضوع امامت و صحابه مخالف هستند را. بدون هیچ دلیل محکمی. اثبات کند و حتی فراتر از این، مدعی است که امامان از باورهای شیعه برائت می‌جویند؛ اما حقیقت آن است که دکتر آل عجلان نتوانسته این مطلب را ثابت و خواننده را اقناع کند. او سعی کرده روایاتی را استخراج کند تا به نوعی عملکرد و یا دیدگاه منفی ائمه را نسبت به این امور بیان دارد،<sup>۲</sup> حال آنکه با توجه به اینکه با فقه الحدیث امامیه آشنا نیست، گاه به روایاتی استناد کرده است که حدیث پژوهان امامیه به آن هیچ وقعی نمی‌نهند.

۱. همان، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. البته برای دفاع از موضع اهل بیت گاه به روایات زیبایی دست یافته است. به عنوان نمونه در دفاع از دیدگاه امام صادق علیه السلام از صحابه این روایت را از الخصال آورده است: عَنْ مَدِينَةَ وَ أَلْفَانَ مِنْ مَكَّةَ وَ أَلْفَانَ مِنَ الظُّلَمَاءِ وَ لَمْ يَرِ فِيهِمْ قَدْرِي وَ لَا مُرَجِّي وَ لَا حَرُورِي وَ لَا مُعْتَزَلِي وَ لَا صَاحِبِي رَأَى كَانُوا يَبْكُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ يَقُولُونَ أَفَبِضِّ أَرْوَاحَنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ نَأْكُلَ خُبْزَ الْحَمِيرِ، أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفًا ثَمَانِيَةَ أَلْفٍ مِنَ أَلِ (الخصال، ج ۲، ص ۶۳۹).

استنادات وی در این زمینه دارای این اشکالات است:

- نقل احادیث منفرد و یا ضعیف
- استناد به روایات جعلی
- باور نداشتن صدور روایات تقیه‌ای
- تمام نبودن دلالت‌ها و گاه تقطیع آن‌ها
- فقدان شرح و بسط این مستندات

### معرفی کتاب سوم

عنوان: اهل‌البيت بين المدرستين؛ بحث عن حقيقة هوية اهل البيت الحقيقية بين مدرستی الاعتدال و الغلو  
نویسنده: محمد سالم الخضر.  
انتشارات: مبرة الآل و الاصحاب، چاپ اول، ۱۴۳۲ ق، کویت

### الف) انگیزه مؤلف

در مقدمه کتاب آمده در بحث‌هایی که بین مسلمانان سبب اختلاف و خدشه شده است اصطلاحاتی وجود دارد که آن‌ها نیاز به تبیین دارند. یکی از این اصطلاحات مفهوم «اهل‌البيت» است؛ سپس از این حزم اندلسی نقل می‌کند که اصل در تمام مشکلات و اختلافات این است که در فهم اسامی و اصطلاحات خلط شده است. مؤلف بر این باور است که سه مدرسه یا سه اندیشه و مکتب در جهان اسلام در مواجهه با مفهوم اهل بیت عليه السلام وجود داشته است:

يك . مدرسه اعتدال

دو . مدرسه غلو

سه . مدرسه جفا

مدرسه سوم، اندیشه ناصبیان است. آن‌ها با عملکرد خویش در حق اهل‌بیت جفا و ستم کرده‌اند. بنا بر گزارش‌های تاریخی، صدها سال است که این گروه از بین رفته‌اند، بنابراین دیگر نیازی به بحث درباره ایشان نیست.

پس در حال حاضر تنها دو مدرسه اعتدال و غلو باقی است. به گمان او اهل سنت

نماینده مدرسه اعتدال و تشیع نماینده مدرسه غلو است.

## ب) مباحث کتاب

نویسنده فصل اول را به تعریف اهل بیت و حقوق ایشان اختصاص داده، آنگاه تعریفی متناسب با تعاریف موجود اهل سنت از اهل بیت ارائه می‌کند و سعی دارد شواهدی از بزرگان شیعه مبنی بر تأیید تعریف عامه ارائه کند. او نظرات شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن ادریس حلی، محقق حلی، محقق کرکی، علامه محمدتقی مجلسی، ملا صالح مازندرانی و... را در خصوص تعریف اهل بیت به دست آورده و آن‌ها را نقل کرده است. بنابر دیدگاه مؤلف اهل بیت اختصاص به پنج تن یا چهارده معصوم ندارد. از این رو مواردی را از بزرگان شیعه، اسامی پیش گفته، نقل کرده که آن‌ها نیز اهل بیت را تعمیم داده‌اند. به عنوان نمونه از ابن بطریق حلی (م ۶۰۰ ق) نقل می‌کند<sup>۱</sup> که وی در کتاب عمدة عیون صحاح الاخبار در ذیل آیه «فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۲</sup> می‌نویسد:

یعنی قرابة النبي ص قال و هم آل علی ع و آل العباس رضی الله عنه و آل جعفر و آل عقیل رضی الله عنهما و لم یشرک بهم غیرهم و هذا وجه صحیح یطرد علی الصحة لأنه موافق لمذهب آل محمد ص یدل علیه ما هو مذکور عندهم فی تفسیر قوله تعالی وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ لِأَنَّ مَسْتَحَقَّ الْخُمْسِ عندهم آل علی ع و آل العباس رضی الله عنه و آل جعفر و آل عقیل ع و لا یشرک بهم غیرهم.<sup>۳</sup>

همچنین به خصوصیات ویژه‌ای چون حب اهل بیت، حرمت صدقه و... را از هر دو منظر شیعه و سنی بررسی کرده و بر این باور است که صحابی بودن پیامبر بر نسبت داشتن با آن حضرت برتری دارد. وی در فصل دوم کتاب به تفصیل به مسئله اهل بیت و غلو پرداخته و شواهد متعددی ارائه می‌کند که اهل بیت نیز با غلو و تقدیس مبارزه می‌کردند و ریشه غلو را در حماقت و جهالت افراد سودجو می‌داند. نویسنده در پایان

۱. اهل البیت بین مدرستین، ص ۸۱.

۲. حشر: ۷.

۳. عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ص ۷.

کتاب نامه خود را در دو بخش مراجع اهل السنة و الجماعة و مراجع الشيعة الاثنا عشرية تفکیک کرده است.

### ج) سبک نگارش

محمد سالم الخضر سعی دارد در عرصه پژوهش هر آنچه مربوط به باورهای شیعی درباره اهل بیت است را نخست از منابع روایی شیعه استخراج و سپس آن را به عنوان مدرسه غلو معرفی کند و در ادامه نظر قرآن و اهل سنت را در همان موضوع گردآوری کند.

شیوه ارائه وی شیوه‌ای هنرمندانه است. او در تدوین ابتدا مسئله را مطرح و اندیشه قرآن و اهل سنت را که صحیح می‌داند بیان می‌کند و سپس موارد متعددی از روایات شیعه را که متعارض با اندیشه عامه است رانقل می‌کند. او در این پژوهش تنها به روایات اکتفا نکرده و گاهی به سخنان محدثان و محققان قدیم و جدید نیز سرزده است. به عنوان نمونه گاه سخنانی از شیخ صدوق از محدثان کهن و یا دکتر مدرسی طباطبایی از محققان معاصر نقل می‌کند.

### ج) نمونه

نویسنده ابتدا با بیان يك عنوان نسبتاً طولانی طرح بحث کرده سپس آیاتی از قرآن را برای بیان نظرگاه صحیح ارائه می‌کند. به عنوان مثال در عنوان: «الذین ینسبون إلی الائمة اهل البیت عدم السهو أو النسیان» در طلیعه بحث می‌نویسد: تنها خداوند است که فراموش نمی‌کند، اما طبیعت خلقت انسان‌ها فراموش‌کارند و پیامبران نیز چون انسان هستند فراموش‌کار هستند. سپس از آیات قرآن. مانند آیات ۶۲ و ۶۳ سوره کهف که اشاره به فراموشی ماهی توسط پیامبر همراه موسی داشته می‌کند و همچنین از آیات: «و اذکر ربك اذا نسیت» و «و سنقرئك فلا تنسی» که خطاب به خاتم الانبیا است. برداشت می‌کند که پیامبر اسلام نیز فراموش می‌کرده است؛ و در جایی که پیامبران فراموش می‌کنند، طبیعی است که خاندان و اهل بیت ایشان نیز فراموش‌کار باشند.

آنگاه محمد سالم با جستجو در منابع شیعی روایاتی را مبنی بر تأیید این اندیشه از اهل بیت علیهم السلام نقل می‌کند. در همین موضوع به پرسش اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام در این خصوص استناد می‌کند که وی از امام می‌پرسد که برخی از مردم کوفه قائل هستند

که پیامبر خدا در نماز فراموش نمی کرد و امام پاسخ صریح می دهد که آن ها دروغ می گویند و خدا لعنتشان کند و تنها خداست که فراموش نمی کند.<sup>۱</sup>

وی با همین بحث به نظر شیخ صدوق و استادش ابن ولید اشاره می کند که آنان تصریح کرده اند غالیان و مفوضه منکر سهو النبی هستند.<sup>۲</sup>

به طور کلی اینکه یک پژوهش مستقل برای تبیین یک اصطلاح بین مذاهبی سامان یابد، ایده خوبی است و به نظرمی رسد در پژوهش های شیعی نیز باید بیشتر از گذشته به بررسی تطبیقی بین فریقین در تبیین یک اصطلاح نظیر اهل البیت، صحابه، خلفا، عصمت، علم غیب و... اهتمام شود. چنان که بزرگانی چون علامه عسکری پیش تر به برخی از این بررسی ها مبادرت ورزیده اند؛ اما عملکرد محمد سالم به نظرمی رسد به گونه ای خلط بین آموزه های اعتقادی و فقهی و همچنین بین اصطلاح اهل البیت و سادات است. بیشتر استنادات وی به اقوال علمای شیعه معمولاً در خصوص مسائل فقهی و احکام ویژه سادات است که در نظرگاه بسیاری از علما تمام بنی هاشم در شمار سادات بوده و مسائل خاص فقهی به ایشان مرتبط می شود، اما در روایات شیعی اصطلاح اهل البیت به تعداد معدودی از خاندان پیامبر اطلاق می شود.

## معرفی کتاب چهارم

عنوان: عقائد الرافضة و رد علماء الشافعية علیها

نویسنده: عبد المجید محمد عبد المجید علی المحیسی

انتشارات (دو ناشر): الناشر المتمیز و دار النصیحة، چاپ اول، ۱۴۴۰ ق. ریاض، در

شمار مجموعه کتاب های موسوم به «الرسائل الجامعیة»

۱. عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الهُرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِرِضَا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ إِنَّ فِي سَوَادِ الكُوفَةِ قَوْمًا يُرْعَمُونَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَمْ يَقَعْ عَلَيْهِ السَّهْوُ فِي صَلَاتِهِ فَقَالَ كَذَّبُوا لَعَنَهُمُ اللهُ إِنَّ الَّذِي لَا يَسْهُوُ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، (عيون اخبار الرضا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، ج ۲، ص ۲۰۳).

۲. أهل البيت بين المدرستين، ص ۱۹۶ تا ۱۹۷.

## الف) انگیزه مؤلف

نویسنده از دانشجویان سودانی دانشگاه‌های سعودی است. این اثر پایان‌نامه وی در مقطع ارشد به راهنمایی دکتر سعود بن عبدالعزيز الخلف است. وی در بیان انگیزه نگارش، شش مطلب، نظیر دفاع از عقاید سلف، جلوگیری از حرکت تشیع، بیان تلاش‌های علمای شافعیه و... را بیان می‌کند و در بخشی از بیاناتش می‌نویسد: «از آنجاکه مسلمانان در بسیاری از مناطق شمال سودان پیرو مذهب شافعی هستند و از سوی دیگر گرایش‌ها به تشیع در عالم اسلامی، به‌ویژه در مصر و سودان، چشمگیر شده است و همچنین انتشار اندیشه شیعه در این دو منطقه سرعت یافته است، به‌نظرمی‌رسد چون نظرات عالمان شافعی در این بلاد همچنان تأثیرگذار است، شایسته است که نگاه و رویکرد انتقادی دانشیان شافعی به اعتقادات رافضه تبیین شود».<sup>۱</sup>

## ب) مباحث کتاب

کتاب پس از یک مقدمه طولانی، حدود هشتاد صفحه، که در آن به تعاریف اساسی شناسه پژوهش پرداخته است، در چهار باب کل مطالب را به شیوه درختی ارائه می‌کند. عناوین ابواب چهارگانه عبارت‌اند از:

الباب الاول: بیان عقیده الإمامة عند الرافضة و ردّ علماء الشافعية علیها

الباب الثانی: بیان عقیده الرافضة فی الصحابة و آل البيت و ردّ علماء الشافعية علیها

الباب الثالث: بیان عقیده الرافضة فی القرآن الکریم و الشُّبه التي أثاروها حوله و ردّ

علماء الشافعية علیها

الباب الرابع: بیان عقیده الرافضة فی الرجعة و البداء و التقية و ردّ علماء الشافعية علیها

هر باب دارای دو یا سه فصل است و هر فصل در بردارنده بخش‌هایی با عنوان

«المبحث» است. به عنوان نمونه باب دوم دارای دو فصل است. فصل اول آن به بیان

عقاید شیعه در خصوص امهات مومنین و عموم صحابه است و فصل دوم به عقاید شیعه

۱. عقائد الرافضة و رد علماء الشافعية علیها، ص ۷.

درباره آل البیت می‌پردازد؛ هر دو بخش نیز مباحث متعددی دارد. در فصل اول این باب سه مبحث: عقیده شیعه در باره امهات مومنین و رد آن، ادله وارده در خصوص مدح صحابه و نقد رافضه در طعن عمومی صحابه، منش رافضه در سب صحابه و رد آن و در فصل دوم پنج مبحث: مفهوم شناسی آل البیت نزد رافضه، عقیده رافضه درباره پیامبر خدا، ادعای محبت آل البیت در میان رافضه، غلو رافضه درباره ائمه خویش، عقیده رافضه درباره مهدی منتظر آمده است؛ البته تمام مباحث پسوند «و الرد علیهم» دارد و نویسنده سعی می‌کند تمام باورهای شیعه را مردود اعلام کند. او برای مردود دانستن اندیشه شیعه معمولاً از بیانات علمای شافعی بهره می‌برد.

او از مطالب علمی ۳۱ نفر از عالمان متقدم شافعی از سده سوم تا سده سیزدهم هجری بهره برده است. برخی مشاهیر شافعی که از ایشان نقل مطلب شده عبارت‌اند از: «ابن جریر طبری، امام بَغَوی، ابو نعیم اصفهانی، بیهقی، خطیب بغدادی، سمعانی، ابو حامد غزالی، زمخشری، شهرستانی، فخر رازی، ذهبی، تقی الدین سُبکی، ابن کثیر، ابن حجر عسقلانی، جلال الدین سیوطی و...».

### ج) سبک نگارش

در هر بحث نخست عقیده شیعه از کتاب‌های مختلف به صورت مختصر در یک یا چند سطر بیان شده است و سپس کلمات علمای شافعی ذیل عنوان «الرد علیهم» بیان می‌شود. مثلاً در شبهات شیعه درباره خلفا. بخش عثمان. آمده است:

الشبهة الثالثة: قال ابن مطهر الحلی: «إن المسلمین عابوا فعال عثمان بن عفان فقالوا له: غبت عن بدر، و هربت يوم أحد ولم تشهد بیعة الرضوان».<sup>۱</sup> نویسنده برای رد اینها. که البته غیبت و حتی فرار وی را نیز تا حدودی می‌پذیرد. از ابو نعیم اصفهانی، ابن حجر عسقلانی، جلال الدین صدیقی مطالبی را بذیل عنوان «الرد علیهم» آورده است.

المحسی در این کتاب بسیار تحت تاثیر جلال الدین صدیقی و کتاب وی موسوم به «الحجج الباهرة فی الرد علی الطائفة الفاجرة» است و در بیشتر صفحات از وی نقل قول



می‌کند.

محمد بن اسعد صدیقی کازرونی شافعی (م ۸۱۸ ق) از عالمان شهر کازرون منطقه فارس در سده‌های نهم و دهم است.<sup>۱</sup> گفتنی است همچنین مؤلف از کتاب «الإمامة فی الرد علی الرافضة» اثر ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) و کتاب‌های مختلف ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) بسیار نقل می‌کند.

#### د) اشکالات

از نکات قوت این تحقیق اینکه نویسنده تقریباً بسیاری از باورهای شیعی را استخراج کرده است؛ اشکالاتی که در توزیع اجمالی اثر حاصل می‌شود عبارت‌اند از: عقیده خواندن هر نکته: هرچند نام‌گذاری بخشی از این موارد به‌عنوان عقیده، نام‌گذاری دقیقی نیست. یا برخی از موارد گفته شده اعتقاد تمام شیعیان نیست، بلکه بخشی از شیعیان آن مطلب را باور دارند.

ضعف منبع شناسی: نویسنده در گزینش کتاب‌ها بسیار ضعیف عمل کرده و از کتاب‌های مختلف با اعتبارهای متفاوت نقل مطلب می‌کند. مثلاً از کتاب‌های واسطه و متأخر مانند کتاب «ربع قرن مع الامینی»، «مأساة الزهراء»، «مناظرات فی الامامة»، «نور الافهام فی علم الکلام» و... در استدلال‌هایش بهره برده است.

استدلال‌های ضعیف: ضعف استدلال‌های بزرگان مذهب شافعی در بخشی از بحث‌ها کاملاً مشهود است. به‌عنوان نمونه جلال‌الدین صدیقی. از عالمان برجسته شافعی در سده دهم. درباره شبهه شیعه در چرایی نصب عمر توسط خلیفه اول، سه دلیل قرآنی می‌آورد که بسیار جالب است. او به آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۵۵ سوره نور و آیه ۵۳ سوره فصلت برای درستی عملکرد خلیفه اول استناد می‌کند. متن کامل استناد وی به آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup> چنین است: «وجه الاستشهاد من هذه الآية: أن الله تعالى أظهر الإسلام زمن النبي صلى الله عليه وسلم و

۱. همان، ص ۶۶.

۲. توبه: ۳۳.

خلفاء الراشدين بعده أبی بکرو عمر و عثمان و علی»<sup>۱</sup>.

فقدان ادبیات علمی: گویا سیره عالمان اهل سنت در دانشگاه های سعودی چنین است که در بیان مطالب رعایت ادب را نکنند. او بارها در کتابش شیعه را به شرك و کفر متهم کرده و به گاه یادکرد بزرگان شیعه با ضمیر «هم» از اوصاف ایشان یاد می کند: «مثال: شیخهم المفید، امامهم الخمینی».

بی انضباطی در کتاب نامه: مؤلف حتی یک بار هم کتاب نامه را مرور نکرده است. وی منابع شیعی کتابش را ۹۴ اثر دانسته که با بی انضباطی خاصی آن ها را آورده و برخی از اسامی اشتباه است. مثلاً تحف العقول را «حف العقول»، کتاب الخصال «تاب الخصال»، مجمع البحرين را «جمع البحرين»، معانی الاخبار را «عانی الاخبار» و... به اسقاط حرف اول آورده است یا کتاب های تورات و عهدین را در شمار کتاب های شیعی آورده یا اساساً اسم کتاب را به صورت کلی اشتباه نوشته است.

باتوجه به آنچه در این مقاله بیان شد، بسیار شایسته است که پژوهش هایی در نقد و بررسی این آثار در امامیه سامان یابد و یا از شیوه نگارشی ایشان الگو گیری شده و پژوهش های تطبیقی بین شیعه و سنی نگارش یابد.

۱. عقائد الرافضة و رد علماء الشافعية علیها، ص ۱۹۴.

## کتاب نامه

۱. اهل البيت بين المدرستين، بحث عن حقيقة هوية اهل البيت الحقيقية بين مدرستی الاعتدال و الغلو، محمد سالم الخضر، كويت، مبرة الآل و الاصحاب، چاپ اول، ۱۴۳۲ ق.
۲. برائة ائمة آل البيت من عقيدة الاثنى عشرية فى الامامة و الصحابة، دكتور محمد بن حامد آل عجلان، سعودى، مكتبة دار البرازى و دار الامام المسلم، چاپ اول، ۱۴۳۶ ق.
۳. الخصال، ابن بابويه، محمد بن على (م ۳۸۱ ق)، مصحح: غفارى، على اكبر، قم، جامعه مدرسين، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۴. عقائد الرافضة و رد علماء الشافعية عليها، عبد المجيد محمد عبد المجيد على المحسى، رياض، الناشر المتميز و دار النصيحة، چاپ اول، ۱۴۴۰ ق.
۵. عقائد الشيعة و حقائقهم المغيبة، دكتور حمود نايف الدبوس، مصر، دار الآثار، چاپ اول، ۱۴۴۰ ق. ۲۰۱۸ م.
۶. عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار، ابن بطريق، يحيى بن حسن (م ۶۰۰ ق)، قم، جامعه مدرسين، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۷. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ابن بابويه، محمد بن على (م ۳۸۱ ق)، مصحح: لاجوردى، مهدى، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.